

مولفه‌های هنر محیط‌زیستی اندرو براون در آثار هنرمندان زن فعال در حوزه فمینیسم بوم‌شناختی (مطالعه موردی: اگنس دنس، باسیا ایرلند و نری آکسمن)

چکیده:

هنر محیط‌زیستی یکی از گرایش‌های هنر معاصر و زیرمجموعه هنر محیطی است که مجموعه فعالیت‌هایی برای تعامل هنرمند و محیط زیست با اصول مشترک و ویژگی‌های مختلف را مد نظر دارد. باگسترش مباحث محیط‌زیستی، فمینیسم بوم‌شناختی رویکرد سلطه مدار (مردانه) با زنان و سایر انواع فرودست (فرهنگی و طبیعی) را مورد نقد و اعتراض قرار می‌دهد. هنرمندان زن، گرایش‌های زنانه و مفاهیم بوم‌شناسانه را توأمان در آثارشان نشان داده‌اند. آنان در جستجوی بازآفرینی هنرهای زیبا و استخراج از هنر سنتی گام برمی‌دارند. پرسش اصلی پژوهش چنین است که: هنرمندان زن از چه مولفه‌ها و شیوه‌هایی برای خلق اثر در پروژه‌های هنر محیطی و فمینیسم بوم‌شناختی استفاده می‌کنند؟ این پژوهش با هدف مطالعه بازنمایی جنسیت در هنر فمینیسم بوم‌شناختی، به رویکرد هنرمندان زن و مصادیق آن می‌پردازد. در این پژوهش از روش کیفی و توصیفی تحلیلی و گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده، که بر مبنای مولفه‌های هنر محیط‌زیستی اندرو براون پژوهش‌گر عرصه محیط‌زیستی برای توضیح و تحلیل مفاهیم در آثار هنرمندان تدوین شده است. با مطالعه آثار ده هنرمند زن، از میان آن‌ها اگنس دنس، باسیا ایرلند و نری آکسمن انتخاب شده‌اند. نتایج بیان‌گر آن است که، این هنرمندان سه رویکرد هنر بدنمند، الهام گرفته شده از صنایع دستی (هنر دست‌کار زنانه) و استفاده از روندهای مشارکتی را مورد توجه قرار داده‌اند. آثار این هنرمندان ضمن این‌که با مولفه‌های هنر محیط‌زیستی اندرو براون مطابقت دارند، به تجسم مفاهیمی چون انگاره مادر طبیعت و کهن‌الگوی زن - زمین نیز می‌پردازند.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۷

رضا منجزی

(نویسنده مسئول)

عضو هیات علمی گروه هنر و

معماری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: Rezamonjezi@pnu.ac.ir

سید نظام الدین امامی فر

دانشیار دانشکده هنر، دانشگاه شاهد،

شهر تهران، استان تهران.

Email: Emamifar@shahed.ac.ir

امین علی کردی

عضو هیات علمی گروه

هنر و معماری، دانشگاه پیام نور، تهران،

ایران.

Email: Amin.alikordi@pnu.ac.ir

DOI شناسه دیجیتال:

10.22051/jtpva.2023.44400.1519

واژگان کلیدی: فمینیسم بوم‌شناختی، هنر محیط‌زیستی، هنرمندان زن، هنر مشارکتی، اندرو براون

مقدمه

فمینیسم بوم‌شناختی با پیوند نگرانی‌های محیط زیست و نگرانی‌های اجتماعی ناشی از بحران‌های جهانی، معتقد است هر دوی آن‌ها ناشی از سلطه فرهنگ مردسالار بر جامعه جهانی است. هنر بوم‌شناختی در ابتدای دهه ۱۹۹۰ براساس رویه‌هایی که از اواخر دهه ۱۹۶۰ ظهور کرده بود، پایه‌گذاری شده است. می‌توانیم هنرهای گوناگون را با اصولی مشترک و شیوه‌های به‌کارگیری مختلف در آثار هنرمندان بیابیم. این هنرها به عنوان شیوه تعامل اجتماعی - محیطی در جریان هستند. تفکیک فمینیست‌ها و ارتباط‌شان با محیط زیست از منظر تاریخی کنش‌های متفاوتی داشته است. دو رویکرد عمده در ارتباط با زنان و محیط زیست، از نظر زیست‌شناختی (بدنمندی) و اجتماعی (هنر مشارکتی) بوده است. رویکرد فمینیست‌ها در طول تاریخ، هیچ‌گاه یک‌سان و ثابت تلقی نشده است. از این جهت کنش‌گران فمینیست دهه ۸۰ میلادی، ذات‌گرایی بدن زنانه هنرمندان دهه ۷۰ را نقد می‌کردند. از بدو پیدایش این جنبش (فمینیسم)، خودنگاری (این همانی) مادر طبیعت و بدن زنانه و به تدریج دغدغه‌های ترمیمی و نکوهش آسیب‌های محیط‌زیستی در آثار هنرمندان قابل تشخیص است. آنان همواره، در جستجوی استخراج از صنایع دستی زنانه، هنر سنتی و بازتعریف هنر در مقابل روایت بزرگ مردانه گام بر میدارند. این آثار با گرایش هنر مفهومی به صورت مجسمه، چیدمان، هنر اجرا و هنر عمومی خلق می‌شوند و استفاده از روندهای طبیعی را مد نظر قرار می‌دهند. اندرو براون پژوهش‌گر حوزه هنر محیط‌زیستی، مولف کتاب هنر و بوم‌شناسی امروز و کتب متعدد است. او مولفه‌هایی را برای توضیح و تحلیل مفاهیم در آثار هنرمندان محیط‌زیستی تدوین کرده است. آنچه که ضرورت انجام چنین پژوهشی را برای فهم آثار هنرمندان زن بوم‌فمینیسم مهم جلوه می‌دهد، در نظر گرفتن مولفه‌های (مفهومی) ثابت و فارغ از گونه‌شناسی این هنرهاست، که در متون پیشین کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. کاربرد مولفه‌های هنر محیط‌زیستی براون، شاخص خوبی برای تحلیل محتوایی آثار اکوفمینیستی فراهم می‌کند و از این جهت، پژوهش حاضر با هدف مطالعه چگونگی تجسم و بازنمایی جنسیت ذیل هنر فمینیسم بوم‌شناختی انجام شده است و به دنبال پاسخ پرسش اصلی این پژوهش است: هنرمندان زن از چه مولفه‌ها و شیوه‌هایی برای خلق اثر در پروژه‌های هنر محیطی

و فمینیسم بوم‌شناختی استفاده می‌کنند؟ با مطالعه آثار ده هنرمند زن و در نظر گرفتن مولفه‌های هنر محیط‌زیستی یک‌سان، به طبقه‌بندی داده‌ها خواهیم پرداخت و مصادیق چگونگی خلق آثار سه هنرمند زن منتخب، مورد مطالعه و بازشناسی قرار می‌گیرد.

روش پژوهش

این پژوهش با روش کیفی و توصیفی تحلیلی و گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های الکترونیکی انجام شده است. جامعه آماری ده هنرمند زن به روش غیرتصادفی انتخاب شده، بر مبنای طبقه‌بندی مولفه‌های هنر محیط‌زیستی اندرو براون تحلیل می‌شود. این طبقه‌بندی دربردارنده مفاهیم هنر معاصر است و تحلیل محتوایی و توصیفی آثار را در نظامی مفهومی میسر می‌کند. هم‌چنین، با رویکرد هنر فمینیسم بوم‌شناسانه نیز قرابت معنایی زیادی دارد. هنرمندانی که آثارشان مطالعه شده، عبارتند از: آگنس دنس، باسیا ایرلند، آنه ماری ماس، آویوارحمانی، مارینا دبریس، آنامندیتا، روزالی گاسکوئین، ایو موشر، نری آکسمن، جکی وینزور که در گفتمان هنر فمینیسم بوم‌شناختی فعالیت می‌کنند. از میان این هنرمندان، سه هنرمند فعال در این حوزه (آگنس دنس، باسیا ایرلند و نری آکسمن) بر اساس مطالعه موردی انتخاب شده و از آن جهت که به تمامی یا در بسیاری از آثارشان رویکرد محیط‌زیستی و فمینیستی را توأمان با هم نشان داده‌اند، مورد توجه قرار گرفته است. این هنرمندان به روندهای اجتماعی و هنر مشارکتی گرایش بیشتری دارند. شیوه‌ها و مولفه‌های هنرمندان زن در جدول‌هایی مورد تحلیل قرار گرفته و نتایج به شکل خلاصه نشان داده شده است.

پیشینه پژوهش

درباره هنر فمینیسم بوم‌شناختی نوشتار و مقالات داخلی و خارجی در روش‌شناسی نوعی پارادایم تفسیری و انتقادی را مد نظر قرار داده‌اند. از مطالعات داخلی می‌توان به مقاله تقی‌زادگان (۱۴۰۰)، با عنوان «هنر گفتگویی و کنش‌گری در حوزه عمومی: محیط زیست در آثار هنرمندان کنش‌گرا» اشاره کرد. نویسنده به بررسی تجربه‌های زیست‌محیطی هنرمندان ایرانی می‌پردازد و این‌که خلق آثار هنری چگونه زمینه‌ساز گفتگو در عرصه عمومی می‌شود. فتاحی

(۱۳۹۸)، در مقاله «نقش هنر در جلوگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی (آب، خاک و هوا): بایسته‌ها و پیامدها»، از دستاوردهای هنری میان رشته‌ای در کنار فعالیت‌های مدنی یاد می‌کند که منجر به کاهش پیامدهای ناگوار آلودگی‌های زیست‌محیطی می‌شود و گرایش شهروندان به هنر و پایداری محیط‌زیست را در پی دارد. قره‌باغی (۱۳۷۸)، در مقاله «فمینیسم: تبارشناسی پست مدرنیسم» به تبارشناسی واژه پست مدرنیسم می‌پردازد و از این رهگذر رویکرد فکری، فلسفی فمینیسم در تاریخ هنر معاصر را واکاوی می‌کند. او ضمن تبیین فلسفه و خواست فمینیست‌ها، بیش‌تر سعی کرده جنبش‌های اجتماعی و سیاسی مقابل و هم‌سو با فمینیسم را شرح دهد و به مصادیق هنری و به‌ویژه، هنر اکوفمینیستی نپرداخته است. ارباب‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله «بازتعریف بدن در هنر فمینیستی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰» با واکاوی فرایند استحاله شدن جایگاه پیکر سنتی، به مصادیق هنر فمینیستی می‌پردازند. نویسندگان می‌کوشند خاستگاه‌های تحول و تغییر موضع بدن در هنر معاصر دهه‌های یاد شده را بررسی کنند. دوستی (۱۳۹۸)، در مقاله «فلسفه بوم فمینیسم و پارادوکس ذات‌گرایی در آفرینش هنری» به تبیین زیبایی‌شناسی انگاره فلسفی فمینیسم و تناقضات بنیادین در سطح فرهنگ و طبیعت در رابطه با جنسیت می‌پردازد. نویسنده با نقد ذات‌گرایی بنیادین فلسفه فمینیسم، نمونه‌هایی از نقاشی، هنر اجرا و مجسمه را بررسی کرده و بدون روش‌مندی در انتخاب هنرمندان و آثارشان به القای جنسیت زنانه در قبال طبیعت انتقاد می‌کند. نجفی و شیرازی (۱۳۹۸)، در مقاله «بررسی عوامل تأثیرگذار در استفاده از بدن در آثار هنرمندان اجرا و هنر محیطی (با تأکید بر آثار سه هنرمند زن)» به ریشه‌های هنر اجرا و فلسفه بدنمندی در هنر می‌پردازند. نویسندگان با مطالعه آثار بدن‌مند هنرمندان زن: آنا مندیتا، کارین و ندرمولن و تاراگودرزی صرفاً، نقش بدن هنرمند در آثار هنر اجرا و در بستر طبیعت را مد نظر قرار داده‌اند. گارد (۱۹۹۳)، در کتاب «اکوفمینیسم: زن، حیوان و طبیعت» رویکرد سلطه‌گرانه مرد بر انواع فرودست را تبیین کرده و به تخریب طبیعت در سده‌های اخیر به عنوان دستاورد پارادایم مردسالارانه اشاره می‌کند. نویسنده می‌کوشد با مرور تاریخ و کنش‌گری زنان در اتصال مجدد به جامعه و سیاست، نمونه آثار زنان فمینیست در جهت حمایت از حقوق حیوانات و گروه‌های

فرودست را بررسی کند. کومو (۱۹۹۸)، در کتاب «فمینیسم و جوامع بوم‌شناختی» بیان می‌کند، اکوفمینیسم دهه ۸۰ با فمینیسم فرهنگی هم‌پوشانی دارد و زنان به دنبال آزادکردن زمین و زندگی هماهنگ‌تر با آن هستند. این نوشتار از اولین کتاب‌هایی است که به اکوفمینیسم و بحث درباره تفاوت فمینیسم و اکوفمینیسم پرداخته است. مینیچیلو (۲۰۱۱)، در پایان‌نامه دکتری «زنان هنرمند با رویکرد محیط‌زیست: کشف روابط و زمینه‌ها» تفسیری مبتنی بر اصول فمینیستی را در تجزیه و تحلیل آثار زنان هنرمند، به‌ویژه دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی مورد توجه قرار می‌دهد. محقق به نقدهای درون فمینیستی پرداخته و هنرمندان زن را با دسته‌بندی گونه‌شناسی (هنر زمین و هنر بدن‌مند) تفکیک می‌کند. تمایز پژوهش حاضر با متون پیشین، توجه به روش‌شناسی هنر محیط‌زیستی، در رابطه با تحلیل آثار هنرمندان فعال در این حوزه با مضامین و باورهای فمینیستی - بوم‌شناسانه است. متون پیشین به مباحث تئوری فلسفی - تاریخی فمینیستی پرداخته و در برخی متون نیز صرفاً، آثار بدن‌مند هنرمندان زن بررسی شده است. حال آن‌که، این تحقیق سعی دارد مؤلفه‌ها و چگونگی خلق آثار هنرمندان زن را با رویکرد مؤلفه‌های هنر محیط‌زیستی براون تحلیل و بررسی کند.

مؤلفه‌های هنر محیط‌زیستی اندرو براون

«هنر محیط‌زیستی» یا بوم‌شناختی با رویکردی مفهومی در دسته‌بندی کلینگر هنر محیطی^۲ قرار می‌گیرد. تکثر آثار در محتوا، فرم و آنچه که هنر محیطی می‌نامیم، بسیار زیاد است. همان‌گونه که سخن از کلیت هنر معاصر نیز چنین است. اگر سعی کنیم هنر محیطی را در یک قاب ببینیم در هر صورت گونه‌هایی در حال پدید آمدن هستند و به رویکردهایی در میان هنرمندان برمی‌خوریم که در این فریم به‌سختی جای می‌گیرند و یا نیاز به بازتعریف مرزهای این هنر خواهیم داشت. به همین دلیل هنر محیط‌زیستی نیز در گونه‌شناسی و رویکردهای نوین، پویا و در حال تغییر است. از این جهت، در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی با آورده‌های یک‌سان پژوهشی در انواع گونه‌های هنری، ضروری می‌نماید. اندرو براون، متولد ۱۹۵۵، پژوهش‌گر هنر محیط‌زیستی و عضو سابق شورای سلطنتی هنر انگلستان، در کتاب «هنر و بوم‌شناسی امروز» مؤلفه‌هایی را برای رفتارشناسی هنرمندان این گرایش برمی‌شمرد که به بازیابی هنر در محیط و روندهای

بنیادین با آموزه‌ها و نگرش هنر مدرن با خوانش گریبنرگی دارد. «کلمنت گریبنرگ» منتقد نام‌آور آمریکایی تجسم زنده تمامی ویژگی‌های مذموم در هنر مدرن و به‌طور کلی، فرهنگ قدیم نسل قبل بود. ویژگی‌هایی که به تدریج و تا زمان ما با واژگان کلیدی رایج نقد به اصطلاح مدرنیسم شناخته می‌شوند: نخبه‌گرایی و نگاه سلسله مراتبی، پدرسالاری، غرب‌باوری و نفی دیگر جنسیتی، طبقاتی، استعماری، فرمالیسم و در پی آن محافظه‌کاری سیاسی، تاکید بر خودآیینی یا جدایی هنر از دیگر حوزه‌های کنش اجتماعی؛ نگاه ارزش داورانه و مبتنی بر مفهوم کیفیت و بالاخره، شاید مهم‌تر از همه زیبایی‌شناسی و بلکه قضاوت زیبایی‌شناختی (اخگر، ۱۳۹۵: ۱۵). گریبنرگ با نازل جلوه دادن و اشاره به هنرمندان زن نقاش، همواره، زنان را از دایره هنر زیبا بیرون می‌راند. او صنایع دستی را هنر والانمی دانست و هنرهای سنتی را فاقد مفهوم و سرشار از درگیری تکنیکی قلمداد می‌کرد. در این تقابل، هنرمندان زن در تولید آثار هنرالیاف (دستبافته‌ها) به «استفاده مجدد» و «بازآفرینی» در پیوند وجه محیط زیستی توجه کردند (Brown, 2014: 29). رویکرد دیگری که هنرمندان زن بوم‌فمینیسم از آن استفاده می‌کنند، نوعی هنر بدنمند است. هنرمندان زن فمینیست، بدن زنانه را بازپس گرفتند. انتخاب بدن زنانه و تعاملش با محیط برای تاکید بر منحصر به فرد بودن، پرورش تکنیکی آن، هم‌چنین، در جهت بیان مولفه‌های «دوباره شکل دادن» و «مرورکردن» تلقی می‌شود. بوم‌فمینیسم با استفاده از روندهای مشارکتی و همکاری هنرمندان، سعی دارد با پیوند زدن زنان به مسایل محیط زیستی و اجتماعی ضمن توجه به گروه‌های فرودست، به روندهای «قطعی» و «مردسالارانه» در هنر اعتراض کند. این‌ها بیش‌تر بر اساس مولفه‌های «مرورکردن»، «پژوهش» و «دوباره اقدام کردن» شکل می‌گیرند.

باید بدانیم این هنر جدید، لزوماً به دنبال زیبا بودن نیست. در واقع، ممکن است هیچ نگرانی برای زیبایی نداشته باشد. بنابراین، با رکوید عمومی مخاطبینی روبه‌رو خواهد شد که قصد تاثیرگذاری روی آن‌ها را دارد. مخاطبین بسیاری که هنوز زیبا بودن شیء هنری، تنها خوانش آن‌ها از هنر است. در این صورت این کارها یا به‌عنوان یک هنر دیده نمی‌شود، یا به‌عنوان یک هنر ضعیف دیده می‌شود. ما در دوران اخیر شاهد درگیری بیش‌تری با مسایل زیست‌محیطی و بازآفرینی روابط بین هنرمندان و اجتماع بوده‌ایم. این هنر علاوه بر نقد

هنر معاصر توجه می‌کند. براون با صرف نظر از گونه‌شناسی هنر محیط‌زیستی، در پی روندهای اجتماعی و معاصر، مولفه‌های رفتاری هنرمندان هنر محیط‌زیستی را این‌گونه طبقه‌بندی می‌کند:

۱. مرورکردن^۳: هنرمندان با انگیزه که جهان را آن‌گونه که می‌بینند، نشان می‌دهند. آن‌ها آگاهانه نقش «شاهد» را به عهده می‌گیرند و روایت‌گر رخداد‌های زندگی روزمره و اتفاقات زیست معاصر هستند. این هنرمندان مشکلات انسان معاصر را به شکل مروری و به‌وسیله مستنداتی از وقایع جهانی، دست‌مایه کار خود قرار می‌دهند.

۲. دوباره شکل دادن^۴: برای این دسته از هنرمندان، محیط فیزیکی، ماده اولیه تولید هنر را فراهم می‌کند. این هنرمندان ترجیح می‌دهند با بدن هایشان به‌عنوان «ابژه» مستقیماً با عناصر طبیعت درگیر شوند و جهان پیرامون را دوباره شکل دهند. هنرهای بدنمند و هنر ترمیمی از این قسم هستند.

۳. پژوهش^۵: هنرمندانی که برای درک بهتر عناصر طبیعت، اقدام به پژوهش در طبیعت می‌کنند. آن‌ها یافته‌های پژوهشی خود را در قالب زیبایی‌شناسی و دست‌آوردهای بصری به نمایش می‌گذارند.

۴. استفاده مجدد^۶: هنرمندانی که نگرانی اصلی آن‌ها نحوه استفاده و سوءاستفاده از منابع زمین است. آن‌ها به روشی واقع‌گرایانه اما زیبایی‌شناختی و اخلاقی، انتقادی‌ترین دیدگاه‌ها را در مورد رابطه ما با جهان فیزیکی ارایه می‌دهند. هنر بازیافت و هنرالیاف چنین رویکردی دارند.

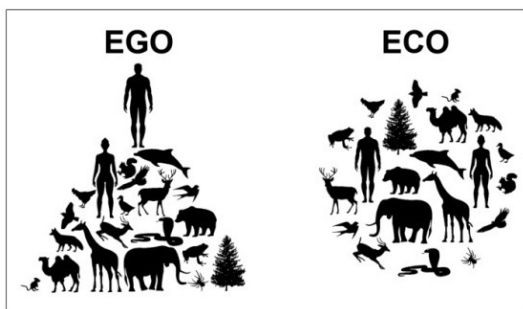
۵. بازآفرینی^۷: هنرمندانی که در پروژه‌های هنر محیط‌زیستی نوآورانه (اکوونشن) و از طریق ایجاد فرایندهایی در جستجوی راه‌حل‌های نوین و فناورانه برای مشکلات محیطی هستند.

۶. دوباره اقدام کردن^۸: این هنرمندان به‌طور فعال در تلاش هستند از طریق هنر ترمیمی، کنش‌گری اجتماعی مجدد، هنر مشارکتی و همکاری هنرمندان در رابطه با مسایل محیط‌زیستی که پیش‌تر ایجاد شده، جهان را متحول کنند و آن را به سوی شرایط بهتر تغییر دهند (Brown, 2014: 21-27). مولفه‌های هنر محیط‌زیستی براون با هنر فمینیسم بوم‌شناختی پیوندی آشکار دارد. هنر فمینیستی در مخالفت با مدرنیسم به فلسفه پست‌مدرنیستی گرویده است. از این روی با خوانش مدرنیستی در هنر و گفتمان مردانه‌اش در تضاد است. این‌که هنر را در درون زندگی و محیط زیست بباییم و نه بر دیوار گالری‌ها و موزه‌ها، چرخشی

را برطرف کنند و راه‌کارهایی ارائه دهند که نتایج بازآفرینی ارتقا یابد. اکوآرت در واقع، خلاصه اکولوژیکال آرت است. واژه اکو برای مباحث «زیست‌کره» و سازگار با محیط زیست استفاده می‌شود و با توجه به این‌که پژوهش‌گران در بسیاری حوزه‌ها، این واژه‌ها را مترادف و به جای یکدیگر استفاده می‌کنند، این شاخه از هنر به جنبشی اشاره دارد که به مسایل زیست محیطی حساس بوده و همکاری هنرمند با دیگر گروه‌های انسانی را با رویکردی اجتماعی و مشارکتی در نظر می‌گیرد. بسیاری از گرایش‌های هنر معاصر از فرایندهای مشارکتی استفاده می‌کنند. بازیافت و احیای طبیعت، از متداول‌ترین رویکردهای این هنر به حساب می‌آیند. هم‌چنین، دوستی با محیط زیست، خود به مثابه روش و متد، نقش مهمی ایفا می‌کند (منجری، ۱۴۰۰: ۱۰۲).

انگاره فکری فمینیسم بوم‌شناختی

نگاهی به ارزشمندی منابع طبیعی (تصویر ۱)، می‌تواند راه‌گشای مباحث زیست بوم‌شناختی باشد. از منظر «انسان (مرد)، به عنوان به عنوان اشرف مخلوقات» منابع طبیعی هنگامی ارزش پیدا می‌کنند که مورد استفاده و در خدمت او باشند. این دیدگاه در مقابل ارزشمندی منابع طبیعی از منظر «انسان، به عنوان یکی از موجودات زنده» (طبیعت محوری) است. در نگرش انسان به عنوان یکی از موجودات زنده، همه موجودات مدن ظر قرار می‌گیرند و بر حفظ طبیعت تاکید می‌شود. اکولوژیست‌ها معتقدند طبیعت ابزار و وسیله‌ای برای رفع نیازهای بشری نیست. بلکه ارزش ذاتی خود را دارد (احسانی، ۱۳۹۸: ۲۳).



تصویر ۱- ارزشمندی منابع طبیعی از دیدگاه انسان محوری و طبیعت محوری (نگارندگان).

طرف داران زیست بوم‌گرایی برای این باورند که، باید مردم را تشویق کرد که خود را به عنوان بخشی از طبیعت در نظر آورند؛ چراکه احتمالاً، این بهترین راه برای رسیدن به

مسایل زیست محیطی و راه‌کارهای خلاقانه برای برون رفت از آن، هشدارهای نمادین و شاعرانه‌ای ارائه کرده است. هنر محیط‌زیستی با استفاده از روش‌های هنری بینارشته‌ای اجرامی شود. با این حال هدفی جدید و اغلب تجربی برای هنرمندان است و با علوم سروکار دارد. تلاش می‌کند تا هم زمینه عمومی و هم نتایج یک «آزمایش» را بدون استفاده از اصطلاحات علمی بیان کند (Brown, 2014: 51). اندرو براون بیان می‌کند هنر محیطی در این سال‌ها با پرسش‌های مهمی مواجه بوده، از جمله این‌که، آیا هنر باید (یا می‌تواند) به زندگی واقعی پناه ببرد؟ و آیا هنرمندان باید به دنبال تغییر آن چه می‌یابند، باشند؟ یا فقط گزارش دهند؟ او پاسخ می‌دهد، هنرمندان در چالشی دیالکتیک با محیط زیست به موفقیت‌هایی در رسیدن به پاسخ و تغییر، هرچند مقطعی و موردی دست یافته‌اند و در دیگر آثار به گزارش دادن بسنده کرده‌اند. چنین هنری از منابع جدید انرژی استفاده کرده و تا حدودی مخاطبین جدیدی پیدا کرده است. از این منظر، مولفه‌های هنر محیط‌زیستی براون، بازیابی هنر، توجه به فراهنر و روندهای مشارکتی را واکاوی می‌کند که امروزه، به عنوان بخش عمده رویکردهای هنر فمینیسم بوم‌شناختی نیز دانسته می‌شوند.

ظهور هنر محیط‌زیستی

کتاب «بهار خاموش» در سال ۱۹۶۲ نوشته راشل کارسون، توانست توجه عمومی به مساله سوءاستفاده و فراوانی سموم دفع آفات در مواد غذایی را به خود جلب کند و با شرح ساختار زنجیره هرمی غذایی در انسان و حیوانات، آثار جبران ناپذیر استفاده بی‌رویه از سموم دفع آفت را به همگان نشان داد. این کتاب یکی از عواملی بود که منجر به تغییر سیاست محیط‌زیستی ایالات متحده و ممنوعیت استفاده از برخی سموم برای مصارف کشاورزی شد. به دنبال کارسون، هنرمندانی چون هلن میر و نیوتن هریسون شروع به خلق هنرهای ابتکاری کردند. یکی از اولین پروژه‌های آن‌ها پروژه باغ متحرک نام داشت که بازدیدکنندگان می‌توانستند رشد طبیعی گیاهان را تجربه کنند. هنرمندان دیگری هم چون مایکل سینگر و آلن سانفیست با آگاهی اکولوژیکی از منظر طبیعت‌آثاری را خلق کردند؛ هم‌چنین، جوزف بویز نیز با خلق چنین آثاری آن‌ها را ساختارهای اجتماعی خواند. آن‌ها نشان دادند که، چگونه هنر، معماری و طراحی می‌توانند با ابتکاراتی، نگرانی‌های زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی

زنده است که، زندگی و بقای ما به آن وابسته است (پویمان، ۱۳۸۴: ۳۴۳). رزماری رادفورد روتر در کتاب «زن نو، زمین نو» که نخستین بار در سال ۱۹۷۵ انتشار یافت، قویاً معتقد است که، نهضت‌های زنان و مساله محیط زیست کاملاً به هم مرتبط هستند و اگر هر کدام از این‌ها می‌خواهند به بخشی از خواسته‌های خود برسند، باید آن جهان بینی را که بر مبنای استیلا و سلطه شکل گرفته، تغییر دهند (دوستی، ۱۳۹۸: ۷۳). این سلطه به باور پاتریک مرفی، تلقی مردمحور از زن و طبیعت است که، منجر به نوعی تجاوز و سلطه دوسویه شده و از یک سو، زمین و از سوی دیگر، زنان ساکن روی زمین را سرکوب کرده است (Murphy, 1991: 60-146). فمینیسم بوم‌شناختی بر سه رشته اندیشه‌های اصلی استوار است: نخست این‌که، زنان دارای شیوه‌های رفتاری و ارزشی خاصی هستند که با طبیعت سازگارتر است. اندیشه دوم این است که، چیرگی بر طبیعت با چیرگی بر زنان ارتباط دارد و ساختارهای تسلط و دلایل آن‌ها در هر دو یک سان هستند. سومین اندیشه، زنان را بیش‌تر از مردان به طبیعت نزدیک میدانند و از همین روی، از نظر پرورش شیوه‌های پایدار ارتباط با طبیعت به صورت بالقوه پیشگام هستند (دابسون، ۱۳۷۷: ۲۹۰). نظریه‌پردازان دیگر فعال حقوق حیوانات هستند، کشاورزی صنعتی، کاربری آزمایشگاهی حیوانات، شکار بی‌رویه و رواج فرهنگ گوشت‌خواری مفرط را کاملاً، شبیه به آسیب‌های فرهنگ مردسالار و نوعی فحشا و تجاوز می‌دانند. به بیان صریح‌تر آن‌چه در دامداری صنعتی غربی و شیوه‌های ترویج و تهییج تقاضا اتفاق می‌افتد، بی‌شبهت به سازوکارهای صنعت پورنوگرافی نیست. این دسته از بوم‌فمینیست‌ها کنش ورزی اجتماعی بیش‌تری دارند و در جستجوی راه‌های بازگشت به جهان آرمانی بیش از استثمار هستند. ترویج گیاه‌خواری و پرهیز از محصولات دامی و کشاورزی صنعتی، ترویج الگوی کشاورزی مادرسالار و... از جمله فعالیت‌های عملی ایشان است. از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این جریان می‌توان به کرول آدامز و کتاب جنجالی او با عنوان «سیاست‌های جنسی گوشت: نظریه انتقادی گیاه‌خوار- فمینیست» اشاره کرد (دوستی، ۱۳۹۸: ۷۳).

هنر فمینیستی مرتبط با محیط

در دهه ۱۹۷۰، فمینیسم از کار خود برای نشان دادن تأثیر «مفهومی» استفاده می‌کرد. هنر فمینیستی این سال

جوامع پایدار از نظر بوم‌شناختی است (Sutton, 2004: 112). پژوهش‌های پیرامون زیست‌بوم گرایی نشان داده‌اند که، زن‌ها به طور معمول و نه همیشه، نگرانی نسبت به محیط زیست را بیش‌تر گزارش می‌کنند. زنان نگرانی (عاطفه) بیش‌تری را نسبت به رخدادهای ضد محیط گزارش می‌کنند و می‌گویند (تعهد کلامی) که، در این باره کاری انجام خواهند داد (Acrury & Christianson, 1990: 347-407). دیدگاه کهن و ذات‌گرای «زن- زمین» نیز مبّین این است که، نسبت زن با زمین، بخشی از هویت و اصالت او را می‌سازد و مردان را به ساحت «فرهنگ» و ضد طبیعت پس می‌راند. باستان‌شناسان فمینیست مثل مرلین استون تمدن‌های باورمند به ایزدبانوان حافظ زمین و آب را «آرمان وطنی» می‌دانند که هنوز با منطق خشونت مردانه، گذار از کشاورزی به شکار و کشتار، ظهور خدای مردانه و توفیق او بر ایزدبانوی زاینده‌گی بر باد فنا نرفته بود. برخی محققان دیگر معتقدند، الگوهای نخستین سلطه با هجوم و استیلا قبایل چادرنشین اوراسیایی بر جوامع هند و اروپایی در حدود ۴۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح آغاز شد که تا قبل از آن، مادرسالاری و زراعت پیشگی حاکم بود؛ نسب افراد به مادر می‌رفت، شیوه زیست وابسته به زمین، پیوندهایی محکم میان زایایی و زنانگی در طبیعت انسانی برقرار کرده و بین مردم صلح حاکم بود (Stone, 1976: 71-85). لئونارد شلین در «الفا در برابر الهه‌ها» مطرح می‌کند که، سواد، خط پایانی بر دوران الهه‌ها (الهه به هیئت زن) کشید. موقعیت زن در عرصه سیاسی و اجتماعی نزول یافت و با تقویت سلطه قسمت چپ مغز و تفکر خطی در برابر احساسات و شهود، برتری کلام بر تصویر و تلقی سلسله مراتب به عنوان نظم طبیعی باعث ایجاد پدرسالاری و زن‌ستیزی شد (بولن، ۱۳۹۵: ۴۸). در این راستا انگاره بوم فمینیسم از نظریه گیای، الهه زمین- مادر نزد یونانیان باستان بهره می‌برد. خدایی با ویژگی‌های مادرانه، شکیبا و بخشنده، که هستی از او پدیدار شده. بوم فمینیست‌ها با اشاره به گیایا تاکید می‌کنند که، در ادیان باستانی غیرابراهیمی، طبیعت همواره، به عنوان جنس مونث بازنمایی شده است. به تعبیر افلاطون نیز گیایا شاید همان «جان جهان» است. او اواخر دهه ۱۹۶۰، جیمز لاولاک دانشمند بریتانیایی فرضیه‌ای مطرح کرد که، یادآور اندیشه‌های کهن یونانی و به «فرضیه گیایا» مشهور شده است. گیایا احیای اندیشه‌های کهن در جامعه علوم جدید است. به موجب این نظریه تمام کره زمین یک نظام کلان

ها غالباً، به مسایل زندگی روزمره زنان، لحظات کوچک و به‌ظاهر بیاهمیت، زنانگی، تربیت کودک، مشکلات تامین معاش و آزارهای جنسی می‌پرداخت (Dekel, 2013: 12). در نیویورک زنان هنرمند انقلابی (۱۹۶۹) از دل ائتلاف کارگران هنر بیرون آمد. لوسی لیپارد در این جریان، منتقد قابلی است که، بعدها، تبدیل به چهره‌ای کلیدی در گسترش هنر فمینیستی شد (آرچر، ۱۳۹۸: ۱۲۳). فمینیست‌ها با واسازی ساختارهای فرهنگ پدسالار در هنر، به تدریج به محیط‌های باز تمایل نشان دادند. آن‌ها با استفاده از روندهای طبیعی و هنر عمومی به سطحی از کنش‌گری هنری روی آوردند، مشکلات زیست‌محیطی جهانی در آمیختگی و همراهی بنیان‌های فکری فمینیسم، منجر به خلق نوعی آثار اکوفمینیستی شد. در این باره به‌طور کلی، می‌توان سه شیوه خلق اثر: «هنر بدن‌مند»، «هنر الهام گرفته شده از صنایع دستی» (هنر دست‌کار زنانه) و «استفاده از روندهای مشارکتی» (هنر عمومی) را در هنر فمینیستی مرتبط با محیط‌باز شناخت. فارغ از مقبولیت یا نقدی که به این جریان وجود دارد، کمیت منابع تحقیق - به‌ویژه در ایران - در مورد هنر اکوفمینیستی، شاید در تداوم حاکمیت دیدگاه مردسالارانه در جریان‌های نقد و بررسی هنر معاصر به حساب آید؛ همان‌گونه که مثلاً، رزنتال در مقاله خود، تحت عنوان «برخی ویژگی‌های هنر زمینی: از رقابت تا ستایش»، طبقه‌بندی هنر محیطی را چنین پیشنهاد می‌کند: حالت‌های مردانه، حالت‌های زودگذر، آثار پرفورمنس، مناظر و باغ‌ها (قلعه، ۱۳۸۸: ۲۶). رزنتال در این دسته‌بندی، مداخلات هنر زمین مثل آثار رابرت اسمیتسون و میسائیل هایزر را «مردانه» ارزیابی می‌کند؛ ولی با قدری کنکاش در روندها و رویکردهای هنر محیطی، می‌توان نگاه زنانه به طبیعت را در بسیاری آثار - چه بسا هنرمندان مرد - به روشنی دریافت. آن‌گونه که امروزه، ارجاعات مردانه و زنانه در روان‌شناسی هنر، تفسیر روانی فرم‌ها و روان‌شناسی رنگ‌ها جایگاه خود را داراست، گونه‌هایی از هنر محیط‌زیستی مانند «هنر در طبیعت» و «هنر ترمیمی»، می‌تواند با نگرشی زنانه و لطیف در قبال طبیعت ارزیابی شود. این نوع آثار که به آرایش و تزئین طبیعت با کم‌ترین مداخله و آسیب به آن می‌پردازد، چنین رویکردی دارند (منجری، ۱۴۰۰: ۱۳۹). هنر‌الیاف اصطلاح عمومی برای تمام سازه‌های رشته‌ای است. این پارچه هنری روی دستگاه بافندگی یا باگره‌زدن، قلاب‌بافی یا هر روش دیگری توسط هنرمند ایجاد شده

است. برخی از آن‌ها به‌عنوان محیط‌زیست تصور شده‌اند که، ممکن است مخاطب به درون سازه‌ها رفته و از آن عبور کند. این هنرمندان از پیشرفت‌های فنی بهره می‌گیرند و با آزمایش و دست‌کاری در مواد، باعث تحریک مفاهیم جدید در هنرها می‌شوند (Lunin, 1990: 697-716). صنایع دستی و دوخت و دوز زنانه با طراحی‌های شبه‌علمی، نقطه عزیمت خلاقیت هنری و پیوند با هنر محیط‌زیستی است. استفاده از مواد بازیافتی در هنر‌الیاف بستری برای خلق آثار هنری موقت و مکان‌ویژه در هنر محیطی است. مواد‌الیاف بافته شده برای کارهای هنری، چیز جدیدی نیستند. زنان همواره، در طول تاریخ سهم بزرگی از ایده، ساخت و تداوم صنایع دستی و هنرهای دست‌کار زنانه را به عهده داشته‌اند. جنبش فمینیسم از نیمه قرن نوزدهم با دغدغه سیاسی و تغییر نگرش اجتماعی به زنان شکل گرفته بود. هم‌زمانی و همراهی چنین امواج اجتماعی با تولد جنبش هنرها و صنایع دستی بریتانیا در اواخر قرن نوزدهم سرآغاز تحول در ارزش‌گذاری جامعه نسبت به چگونگی ساختن چیزها بود (منجری، ۱۴۰۰: ۱۳۵). جنبش فمینیسم دهه ۷۰ میلادی با نگاه جنسیتی، توانست زوایای مسکوت زیست زنانه همچون بدن، هویت، نقش‌های جنسیتی و خشونت علیه زنان را در هنر گسترش دهد. استفاده از بدن زنانه در کنار عناصر طبیعی نیز چنین رویکردی دارد. هنرمند محیطی از طریق چیدمان بدن خود در طبیعت یا از طریق اجراهای ساده، بدن خود را به‌عنوان یک ابژه با طبیعت گره زده تا مخاطبان‌ش را از طریق طبیعت، درگیر مفهوم و محتوای اثرش کند. آن‌ها به‌وسیله «بدن» - که بی‌واسطه‌ترین عنصر ارتباطی بین هنرمند و طبیعت است - با محیط پیرامون یکی شده و خود را جزئی از طبیعت و محیط پیرامونشان احساس می‌کنند (نجفی و شیرازی، ۱۳۹۸: ۵۶۷). امروزه، توجه به روندهای مشارکتی در هنر فمینیسم بوم‌شناختی و کلیت هنر معاصر جایگاه ویژه‌ای دارد. هنر عمومی در مفهوم عام، هنری است که در فضای عمومی قابل مشاهده و قابل دسترس مردم باشد. می‌تواند به‌طور دایم در طراحی یا عناصر ثابت مکان شهری گنجانده شود یا پروژه‌ای موقتی مانند چیدمان و رویدادهای هنری باشد. بدین‌ترتیب هنرمندانی که دغدغه زیست‌محیطی دارند امکان وسیعی برای مشارکت شهروندان در هنر عمومی، برای آنان فراهم می‌شود. از زمانی که نگاه‌ها از محصول نهایی در هنر گرفته شد و به سوی فرایند تولید روی آورد، حضور هنرمند در کنار مشارکت‌کنندگان

عاملی سرنوشت ساز، بدل گردید. این خصیصه نقش مشارکت‌کنندگان را در هنر عمومی مهم جلوه می‌دهد و از این طریق آموزش‌های همگانی، هشدارهای محیط‌زیستی و کارکردهای فرهنگی را امکان‌پذیر می‌کند.

هنرمندان زن فعال حوزه فمینیسم بوم‌شناختی

از میان هنرمندان اکوفمینیست، روزالی گاسکوئین (۱۹۹۹-۱۹۱۷) هنرمند استرالیایی با ارجاع به بدن زنانه، از مواد بازیافتی پیدا شده در ساحل نیوزیلند و خانه‌اش استفاده کرده است. او تکه‌های چوب، فلز و الیاف پارچه‌ای را با هم ترکیب و به صورت مجسمه و چیدمان نمایش می‌دهد. گاسکوئین در مجسمه ونوس مورومبیجی (تصویر ۲) با اشاره به شمال و ونوس، پیوند تن زنانه را با مواد بازیافتی تجسم می‌بخشد و به مفاهیمی چون کهن‌الگوی زن-زمین می‌پردازد. جکی وینزور -متولد ۱۹۴۱- ایده‌های مجسمه‌سازی سنتی و جدید را با استفاده از چوب، طناب‌های کنفی و الیاف طبیعی و نوعی مینی‌مالیسم زنانه‌ارایه می‌دهد. او در سال ۱۹۷۱ با استفاده از طناب‌های قطور و بدن خود به اجراء گالری پرداخت و از این طریق مانیفست زنانه‌اش را به ظهور رساند. هم‌چنین، در اثر «سی» به یک درخت پیوند خورده» (تصویر ۳)، سی تنه درخت جوان قطع شده را به یک درخت زنده با طناب کنفی بافت و به نوعی حجم زنده و آرگانیک دست یافت. آن‌ا مندیتا (۱۹۸۵-۱۹۴۸)، دیگر هنرمند این‌گرایش، با خوانشی شخصی و آیینی در ارتباط با زمین فعالیت می‌کرد. مندیتا مجسمه ساز مهاجر کوبایی، توانست در آمریکا با آثار هنر ویدیو، اجرا و آثار بدنمندی به رابطه طبیعت و این‌همانی بدن زنانه به شهرت برسد. او در مجموعه «سیلوئتها» (تصویر ۴) و غالب آثارش از بدن خود به وسیله اعمال و رفتار درگیرانه با مواد طبیعی، به مثابه بدنی بیان‌گر (اکسپرسیو) استفاده می‌کند که از رهگذر هنر اجرا و رفتار آیینی به خلق اثر می‌پردازد. مارینا دبریس -متولد ۱۹۷۱- فعال اجتماعی استرالیایی-آمریکایی است که با استفاده مجدد از زباله‌ها برای افزایش آگاهی در مورد آلودگی اقیانوس‌ها و سواحل فعالیت می‌کند. او در مجموعه آثارش و در اثر «لباس مجلسی» از زباله و توپ‌های پیدا شده در سواحل اقیانوسی، به طراحی لباس زنانه می‌پردازد و دیدگاه‌هایش درباره زمین پاک و ارجاعات بدن زنانه را برجسته می‌کند. آنه ماری ماس -متولد ۱۹۵۵- هنرمند و محقق بلژیکی، از طریق پروژه‌های طولانی مدت و

همکاری با دانشمندان کار می‌کند. پوسته حسی برای زنبور عسل یک اجرای مجسمه‌ای است که به روشی بنیادی مواد هوشمند، شکل‌ها و بیوتکنولوژی را ترکیب می‌کند. این مفهوم که پناهگاهی متحرک برای زنبورهای عسل است از هوش، پیچیدگی و خود سازمان‌دهی گُلونی‌های زنبور عسل الهام گرفته شده است. او با ترکیبی از چاپ سه‌بعدی رایانه‌ای، ساخت سنتی و بیوتکنولوژی، محیطی جدید برای نقاشی و مجسمه‌سازی کشف کرده که هنوز وابستگی‌های هنر زنانه دست‌کار را داراست و با مشارکت دانشمندان ساخته شده است. ایو موشر -متولد ۱۹۴۰- فعال اجتماعی و هنرمند آمریکایی، پروژه «بالترین خط آب» (تصویر ۵) را با کنش‌گری اجتماعی و دوباره اقدام کردن ایجاد کرده است. این پروژه هنر عمومی در بروکلین، موضوع تغییر اقلیم را مستقیماً به ساکنان شهر گوشزد می‌کرد. طبق گزارش موشر و دانشمندان دانشگاه کلمبیا، در دهه ۲۰۲۰، سیل می‌تواند هر چهل سال یک بار اتفاق بی‌افتد. جسارت پروژه موشر به او اجازه داد تا با گروهی از ساکنان متنوع از نظر اقتصادی و نژادی درگیر شود. موشر با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای ناسا و یک دستگاه هیتر سنگین که برای خط‌کشی گچی در زمین‌های بیسبال استفاده می‌شود، ۷۰ مایل خط ساحلی نیویورک را طی کرد و برای هشدار سیل یک خط گچی ترسیم کرد. با مردم صحبت می‌کرد و با پخش آگهی‌های تبلیغاتی انگیزه‌های خود را توضیح می‌داد. آویوارحمانی -متولد ۱۹۴۵- از پیشگامان هنر نمایشی، مفهومی و هنر عمومی دهه ۷۰ آمریکا و از همکاران هنرمندان فمینیستی هم‌چون جودی شیکاگو و سوزان لیس است. وی با مشارکت گروه‌های انسانی، درختان جنگل‌های شمال شرقی نیویورک را با رنگ آبی اولترامارین نقاشی کرد و براساس قوانین خاص ماکیت هنری مانع تخریب طبیعت شد (تصویر ۶). این جنگل محل پیشنهادی احداث خط لوله گاز بوده که باعث تخریب هزاران درخت می‌شد. اگنس دنس -متولد ۱۹۳۱- هنرمند آمریکایی -مجارستانی، با مجموعه فعالیت‌های کنش‌گرانه، از هنرمندان پیشرو این جریان محسوب می‌شود. اثر «برنج-درخت-خاک‌سپاری» او به گفته مورخ مشهور هنر «پیتر سلرز»، احتمالاً، اولین اثر در مقیاس بزرگ در هر مکان خاص، با نگرانی‌های زیست‌محیطی بود (URL2). وی هم‌چنین، در یکی از آثارش با ساخت هرم ۹ متری متشکل از گیاهان و گل‌ها و با به اشتراک گذاشتن آن‌ها بین مردم، درگیری واقعی و مشارکت مخاطب را در هنر معاصر گسترش داده است.



تصویر ۳- جکی وینزور، سی به یک درخت پیوند خورده، درخت طبیعی زنده و قطع شده، ۱۹۷۱ (URL5).

باسیا ایرلند -متولد ۱۹۴۶- هنرمند برجسته آمریکایی، در تلاش‌های پیشگام و بینارشته‌ای خود به رودخانه‌ها و آب‌خیزها توجه می‌کند. ایرلند در دهه‌های متمادی با گروه‌های فرودست (زنان و کودکان) از ملل و فرهنگ‌های گوناگون برای بهبود شرایط آب‌سالم و آگاهی‌های محیط‌زیستی کار می‌کند. یکی از آثار وی کوله‌ای شبانی است که تماماً از مواد بازیافتی ساخته شده است. این کوله به شکل مجسمه‌ای قابل‌حمل، برای نمونه‌برداری از آب رودخانه استفاده شده است. نری آکسمن -متولد ۱۹۷۶- هنرمند بینارشته‌ای که در زمینه هنر الیاف، مد و طراحی لباس فعالیت می‌کند. همکاری او در پروژه‌های علمی بینارشته‌ای با دانشمندان و مراکز تحقیقاتی چشم‌گیر است. آکسمن در پروژه‌های فناورانه و آزمایشگاهی رابطه بین ساخت دیجیتال و بیولوژی را با استفاده از کرم ابریشم زنده، برای تنیدن تار در مقیاسه‌ای محصول و معماری بررسی کرده است. در این راستا، با مطالعه آثار هنرمندان زن بوم‌فمینیست، می‌توان هماهنگی مولفه‌های هنر محیط‌زیستی اندرو براون را در آثار



تصویر ۵- ایوموشر، بالاترین خط آب، پروژه هنر عمومی، ۲۰۰۷ (URL3).



تصویر ۲- روزالی گاسکوئین، ونوس مورومبجی، تکه‌های چوب والیاف بازیافتی، ۱۹۷۳ (URL4).



تصویر ۴- آنامندیتا، از مجموعه سیلوئت‌ها، هنر بدن‌مند، ۱۹۴۸-۱۹۸۵ (URL8).

جدول ۱. بررسی مولفه‌های هنر محیط زیستی اندروبراون در آثار هنرمندان زن فمینیسم بوم شناختی (نگارندگان).

نام هنرمند	مرور کردن	دوباره شکل دادن	پژوهش	استفاده مجدد	باز آفرینی	دوباره اقدام کردن
روزالی گاسکوئین	مشاهده مشکلات محیط زیستی سواحل	-	-	استفاده از مواد بازیافتی	-	-
جکی وینزور	-	هنر بدن مند و استفاده از مواد طبیعی	-	خلق مجسمه‌های کفنی، استفاده از مواد الیاف	-	-
آنامندیتا	روایت زیست زنانه با هنر اجرا	هنر بدن مند و استفاده از مواد طبیعی	-	-	-	-
مارینادبریس	مشاهده مشکلات محیط زیستی سواحل	هنر بدن مند	-	استفاده از مواد بازیافتی	-	کنش‌گری اجتماعی و آموزش به کودکان
آنه ماری ماس	مشاهده رفتار طبیعت	استفاده از مواد طبیعی	تحقیقات و مشارکت دانشمندان	-	خلق هنر محیط زیستی نوآورانه	-
ایو موشر	مشاهده مشکلات محیط زیستی سواحل	-	تحقیقات و مشارکت دانشمندان	-	-	کنش‌گری اجتماعی و آگاهی‌های محیط زیستی
آویوارحمانی	-	استفاده از مواد طبیعی	تحقیقات محلی و محیط زیستی	-	-	کنش‌گری اجتماعی و آگاهی‌های محیط زیستی
اگنس دنس	مشاهده رفتار طبیعت	استفاده از مواد طبیعی	مطالعه باغبانی و کشاورزی	-	-	کنش‌گری اجتماعی و هنر مشارکتی
باسیا ایرلند	مشاهده مشکلات آب در جوامع محلی	استفاده از مواد طبیعی	تحقیقات و مشارکت دانشمندان	استفاده از مواد بازیافتی	خلق هنر محیط زیستی نوآورانه	کنش‌گری اجتماعی و آگاهی‌های محیط زیستی
نری آکسمن	مشاهده رفتار طبیعت	استفاده از مواد طبیعی	تحقیقات و مشارکت دانشمندان	-	خلق هنر محیط زیستی نوآورانه	-

در سالیوان نیویورک تحقق یافت. در این رویداد نمادین او برنج را به نشان زندگی (آغاز و رشد) کاشت، درختان را زنجیر کرد تا نشان دهنده مداخله انسان در فرایندهای طبیعی باشد. شعر زنانه هائیکو خود را دهن کرد؛ تا نماد ایده یا مفهوم (آفرینش زنانه) باشد. این سه عمل نوعی مثلث سازی انتقالی (تز، آنتی تز و سنتز) را تشکیل می‌داد و از این طریق مفهوم زن - زمین را برجسته می‌کرد. بذر، آغاز را نشان می‌دهد و عمل کاشت به معنای روند (لقاح، باردار شدن و إلقاء) است. زنجیر کردن درختان به معنی اسارت و دخالت در رشد و زوال است. زنجیرها در این اثر به عنوان اقدام‌های اضافی، درختان را هم چون بردگان (سیاه و سرخ پوست) زنجیر شده توسط «مرد سفید امریکایی»، نمودی از تفکر انسان در برابر طبیعت به تصویر می‌کشد. اثر دیگر او یک هرم ۹ متری (تصویر ۸) در پارک مجسمه سازی سقراط نیویورک است. این کار از تراس‌های چوبی انباشته از خاک و هزاران گیاه زنده ساخته شده است. به عنوان یک مجسمه موقت، گیاهان در طول مدت زمان نمایشگاه جوانه زده، گل می‌دهند و در نهایت، به بذر تبدیل می‌شوند. این روند شواهدی از رشد ارگانیک طبیعت است که در تعامل با یکی از نمادهای تمدن بشری «هرم» قرار دارد. هنرمند از عموم مردم دعوت کرد تا گیاهانی را با خود به خانه ببرند و به آن‌ها اجازه دهند، تا به عنوان بخش کوچکی از شکل سابق (هرم)،



تصویر ۶- آویوارحمانی، پروژه هنر عمومی خیریه، رنگ آمیزی درختان جنگل بارنگ آبی، ۲۰۱۵ (URL1).

این هنرمندان مشاهده کرد که در جدول ۱، قرار داده شده است.

یافته‌ها: رویکرد هنرمندان زن فمینیسم بوم شناختی

با مطالعه آثار سه هنرمند زن: اگنس دنس، باسیا ایرلند و نری آکسمن، شیوه‌های خلق آثار آنان تحلیل و بررسی شده است. اگنس دنس: این هنرمند در طیف گسترده‌های از هنر مشارکتی، محیط زیستی و موسسات بین‌المللی محیطی در جهان شناخته شده است. به لحاظ تاریخی می‌توان اولین جستجوهای اکوفمینیستی هنر معاصر را اثر «برنج - درخت - خاک سپاری» (تصویر ۷) قلمداد کرد که سال ۱۹۶۸



تصویر ۷- اگنس دنس، برنج-درخت-خاک‌سپاری، مجموعه فعالیت‌های محیطی، ۱۹۶۸ (URL2).



تصویر ۹- باسیا ایرلند، کتاب‌های یخی، دانه‌های بومی گیاهان درون یخ، از سال ۲۰۰۷ (URL6).



تصویر ۱- باسیا ایرلند، پروژه بولدر کریک، کوله‌شبنانی بازیافتی و فعالیت‌های مرتبط با آب، ۲۰۰۷ (URL6).

به ترمیم محیط‌زیست ساحلی کمک می‌کند. ایرلند این آثارش را نوعی «ادای احترام بذر به رودخانه» می‌خواند. او به همراه تعدادی از مردم بومی یخچال‌های کوچک دست‌ساز را با خود حمل کرده تا کتاب‌های یخی را در مسیر رودخانه و فضاهای بکر ساحلی رها کنند. آثار او نوعی نگرش شاعرانه با الگویی از ایزدبانوان حافظ زمین و آب است. گویی در ستایش آب و روح زنانه جاری در آب‌ها در هیبت ایزدبانوان



تصویر ۸- اگنس دنس، هرم، تراس‌های چوبی، مواد ارگانیک و گیاه، ۲۰۱۵-۲۰۱۷ (URL2).

رشد و شکوفایی خود را ادامه دهند. بدین ترتیب، هر بخش از اثر مشهور دنس، با ترویج شیوه‌های کشاورزی و باغبانی مادرسالار در سراسر جهان پخش شد. او با نگاهی تاریخ‌نگر و ارجاعات زنانه، به وضوح توانسته مولفه‌های «مرورکردن»، «دوباره شکل دادن»، «پژوهش» و «دوباره اقدام کردن» را در آثارش بروز دهد.

باسیا ایرلند: کارهای شاعرانه و اجتماعی او مردم را به آبراه‌های محلی متصل می‌کند؛ تا مراقبت و مسئولیت‌پذیری نسبت به آب را در آن‌ها تقویت کند. ایرلند ضمن همکاری با محققان رشته‌های مختلف، به بررسی چگونگی استفاده جوامع محلی زنان، کودکان، گیاهان و حیوانات به این عنصر حیاتی می‌پردازد. او در پیمایش‌های خود در هند، نپال و مصر درباره بیماری‌های آب و خطرات آن برای مردم محلی صحبت کرده است. از سال ۲۰۰۷، این هنرمند «کتاب‌های یخی» را در ایالات متحده، کانادا، اروپا و خاورمیانه خلق کرده است (تصویر ۹). این آثار مجسمه‌هایی مبتنی بر زمان هستند که، از یخ درست شده و با «متن» ساخته شده از دانه‌های بومی محلی در صفحات کتاب یخی تعبیه شده‌اند. کتاب‌های یخی ذوب شده و دانه‌ها آزاد می‌شوند و این امر



تصویر ۱۲- نری آکسمن، لباس بیولوژیک، پرینت سه بعدی از مواد زیستی، ۲۰۱۲ (URL7).

تصویر ۱۱- نری آکسمن، غرفه ابریشم، الیاف ابریشم و کرم ابریشم با مشارکت دانشمندان، ۲۰۱۳ (URL7).

جدول ۲. شیوه‌های خلق آثار آگنس دنس، باسیا ایرلند و نری آکسمن (نگارندگان).

هنرمند	اثر	هنر بدن مند	هنر دست کار زنانه	روندهای مشارکتی
آگنس دنس	برنج-درخت-خاکسپاری	-از طریق دفن شعر زنانه ز طریق کنش بدنی در شیوه‌های باغبانی و کشاورزی (هنر اجرا در محیط)	-	-
	هرم	از طریق کنش بدنی در شیوه‌های باغبانی و کشاورزی (هنر اجرا در محیط)	-	مشارکت مردم
باسیا ایرلند	کتاب‌های یخی	از طریق کنش بدنی در شیوه‌های باغبانی، کشاورزی و نگاهداشت آب (هنر اجرا در محیط)	+	مشارکت مردم محلی آموزش به گروه‌های فرودست (زنان و کودکان)
	پروژه بولدر کریک	از طریق کنش بدن مند حمل کوله شبانی باز یافتی (هنر اجرا در محیط)	از طریق دوخت و ساخت کوله شبانی باز یافتی	مشارکت دانشمندان
نری آکسمن	غرفه ابریشم	+	از طریق هدایت و ساخت سازه چندضلعی به وسیله هنر الیاف طبیعی	مشارکت دانشمندان
	لباس بیولوژیک	از طریق طراحی و پوشیدن لباس بیولوژیک (الیاف زیست فناوری)	از طریق خلق لباس‌هایی زنانه با الیاف زیست فناوری	مشارکت دانشمندان

درآمد. باسیا ایرلند نیز با استفاده از پروژه‌های هنر عمومی، مولفه‌هایی چون «مرورکردن»، «دوباره شکل دادن»، «پژوهش»، «استفاده مجدد»، «بازآفرینی» و «دوباره اقدام کردن» را دست‌مایه کار خود قرار داده است. نری آکسمن: پروژه‌های علمی بین‌رشته‌ای آکسمن معمولاً، با دانشمندان و مراکز تحقیقاتی دانشگاهی ساخته می‌شود.

اسطوره‌های مانند «آناهیتا» خلق شده است. در پروژه «بولدر کریک» کلورادو در سال ۲۰۰۷ (تصویر ۱)، او کوله‌ای شبانی از مواد باز یافتی مانند تیوپ لاستیک کامیون، چوب و بطری‌های شیشه‌ای ساخت که برای نمونه برداری از آب رودخانه استفاده می‌شد. نمونه‌ها در آزمایشگاه ارزش‌یابی و به شکل چیدمان همراه ویدیو در گالری نیز به نمایش

جدول ۳. ارجاعات مفهومی و مولفه‌های هنر محیط‌زیستی براون در آثار هنرمندان زن منتخب (نگارندگان).

هنرمند	مفاهیم فمینیسم بوم‌شناختی	مولفه‌های هنر محیط‌زیستی براون
اگنس دنس	-کهن الگوی زن-زمین، تمدن‌های کشاورز و مادرسالار -اعتراض به روند تخریب و سلطه مردانه بر طبیعت	مرور کردن: از طریق مشاهده طبیعت و رشد گیاهان دوباره شکل‌دادن: از طریق کشاورزی بر زمین بایر پژوهش: از طریق مطالعه باغبانی و کشاورزی دوباره اقدام کردن: از طریق کنش‌گری و هنر مشارکتی
باسیا ایرلند	-ایزدبانوان حافظ زمین و آب -توجه به گروه‌های فرودست (زنان و کودکان)	مرور کردن: از طریق مشاهده مشکلات جوامع محلی دوباره شکل دادن: از طریق درگیری با مواد طبیعی پژوهش: از طریق مطالعه و همکاری با دانشمندان استفاده مجدد: از طریق مواد بازیافتی بازآفرینی: از طریق خلق و نصب سامانه‌های مرتبط با آب دوباره اقدام کردن: از طریق کنش‌گری اجتماعی
نری آکسمن	-انگاره مادر طبیعت (گایا) و یکی شدن با آن -ایزدبانوان اساطیری	مرور کردن: از طریق مشاهده طبیعت دوباره شکل دادن: از طریق درگیری با مواد طبیعی پژوهش: مشارکت دانشمندان بازآفرینی: پروژه‌های زیست‌محیطی نوآورانه

نتیجه‌گیری

فمینیسم بوم‌شناختی می‌کوشد وجود برخی ارتباطات میان ماهیت زنانه و طبیعت را بررسی کند. اکوفمینیسم بر این باور استوار است که پیوندهای نزدیکی میان زنان و طبیعت وجود دارد و از این نظر جنبش زنان با زیست‌بوم‌گرایی آمیخته است. اندرو براون پژوهش‌گر عرصه هنر محیط‌زیستی مولفه‌هایی را برای توضیح و تحلیل مفاهیم در آثار هنرمندان محیط‌زیستی تدوین کرده است. از آن جا که، این مولفه‌ها با هنر فمینیسم بوم‌شناختی قرابت معنایی زیادی داشته؛ کاربرد آن‌ها، طبقه‌بندی و تحلیل محتوایی آثار را بهبود بخشیده است. پرسش این پژوهش چنین است که، هنرمندان زن از چه مولفه‌ها و شیوه‌هایی برای خلق اثر در پروژه‌های هنر محیطی و فمینیسم بوم‌شناختی استفاده می‌کنند؟ نتایج این پژوهش نشان داده است که، هنرمندان زن فمینیسم بوم‌شناختی به طور کلی سه شیوه هنر بدن‌مند، هنر الهام‌گرفته شده از صنایع دستی (هنر دست‌کار زنانه) و استفاده از روندهای مشارکتی را برگزیده‌اند و به مفاهیمی چون انگاره مادر طبیعت (گایا) و کهن الگوی زن-زمین پرداخته‌اند. هم‌چنین، یافته‌ها نشان دادند که، توجه به مولفه‌های مرور کردن، دوباره شکل دادن، پژوهش، استفاده مجدد، بازآفرینی و دوباره اقدام کردن در آثار هنرمندان زن مشهود است. با بررسی تاریخی این هنر می‌توان چنین گفت، در ابتدا، بدن زنانه در هنر فمینیستی به عنوان ابزاری مقابل‌گفتمان غالب مردسالار همواره، مطرح بوده است. این رویکرد ارتباط معناداری با تبعیض جنسیتی و سوءاستفاده از بدن زن در آثار فمینیستی برقرار کرده، اما به تدریج

او با ساختارهای فناورانه و آزمایشگاهی در گرایش مد و طراحی لباس زنان، به هنر و شبه علم نزدیک می‌شود. غرفه ابریشم کاری از نری آکسمن و گروه تحقیقاتی دانشگاه ام. آی. تی با همکاری دانشمندان است (تصویر ۱۱). ساختار اولیه این کار از ۲۶ وجه چند ضلعی ساخته شده است. رشته‌ای پیوسته از نخ ابریشمی با استفاده از الگوریتمی به طول یک کیلومتر سراسر تکه‌ها را ارایه می‌دهد. تراکم یک‌سان سطوح توسط گرم ابریشم چاپ‌گر بیولوژیکی کنترل می‌شود. ۶۵۰۰ گرم ابریشم در حال گردش و تنیدن تار ابریشم شکاف‌های موجود را پر کرده و پس از مرحله شفیبری برداشته می‌شوند. تماشای هزاران گرم ابریشم و الگوی شاعرانه ایجاد شده توسط تلاش حشرات در این اثر، روش اکتشاف مواد الیاف و هنر دست‌کار زنانه را به سطح جدیدی ارتقا می‌دهد. او در پروژه تحقیقاتی دیگری ۱۸ طرح از لباس بیولوژیک^{۱۰} زنانه را از طریق پرینت سه بعدی مواد به گونه‌ای طراحی می‌کند که هم چون لباسی پوشیدنی قابل مشاهده و استفاده باشد (تصویر ۱۲). اگرچه که این مفاهیم در لبه علوم پیشرو و تحقیقاتی به نظر می‌رسند، اما در عصر مهندسی دیجیتال و تلفیق هنر و علم، هنوز انگاره کهن مادر طبیعت و یکی شدن با آن و ایزدبانوان اساطیری را سرمشق خود قرار داده است. آکسمن با تجربه‌های آزمایشگاهی زیست‌فناورانه، بر اساس مولفه‌های «مرور کردن»، «دوباره شکل دادن»، «پژوهش» و «بازآفرینی» چنین آثاری را خلق می‌کند. تحلیل شیوه‌های خلق آثار این هنرمندان در جدول ۲، قرار داده شده است. هم‌چنین، ارجاعات مفهومی مرتبط با بوم فمینیسم و مولفه‌های هنر محیط‌زیستی براون در جدول ۳، مورد تحلیل قرار گرفته است.

ترمیمی و شیوه‌های نگاه‌داشت آب، توانسته «مراقبت و مسئولیت‌پذیری نسبت به آب»، هم‌چنین، «آموزش گروه‌های فرودست» (زنان و کودکان) را با رویکرد کهن‌الگوی ایزدبانوان زمین و آب نمایش دهد. مولفه‌های مرورکردن، دوباره شکل دادن، پژوهش، استفاده مجدد، بازآفرینی و دوباره اقدامکردن در آثار وی قابل شناسایی است. نری آکسمن نیز هنرمند-پژوهش‌گر، با مشارکت دانشمندان و استفاده از روش‌های اکتشاف هنرالیاف (هنر دست‌کار زنانه) و هم‌چنین، خلق لباس‌هایی زیستی در قالب مولفه‌های مرورکردن، دوباره شکل دادن، پژوهش و بازآفرینی به بیان مفاهیمی چون «انگاره مادر طبیعت» (گایا) و یکی شدن با آن پرداخته است.

با گسترش مباحث محیط‌زیستی و پیوندهای بنیادین فمینیسم و طبیعت، رویکرد هنرهای مشارکتی و ضرورت آگاهی‌بخشی گروه‌های اجتماعی (جوامع محلی، گروه‌های فرودست شامل زنان و کودکان) اهمیت بیش‌تری یافته است. تحلیل آثار هنرمندان انتخاب شده، نشان داد آگنس دنس هنرمند پیشرو این جریان به وسیله دفن شعرهایکو زنانه، شیوه‌های باغبانی و کشاورزی و زنجیرکردن درختان، نوعی ارجاعات بوم‌فمینیستی مانند «آفرینش فکری زنانه»، «کهن‌الگوی زن-زمین» و «اعتراض به فرهنگ مردسالار» را در قالب مولفه‌های مرورکردن، دوباره شکل دادن، پژوهش و دوباره اقدامکردن نشان داده است. باسیا ایرلند در کنش‌گری شاعرانه و اجتماع‌پاش از طریق کاربست هنر

پی‌نوشت

1. Art and Ecology Now.
2. environmental art.
3. Re/view.
4. Re/form.
5. Re/search.
6. Re/use.
7. Re/create.
8. Re/act.
9. Gaia (G).

۱۰. طرح‌های لباس بیولوژیک آکسمن براساس تاریخ و اسطوره‌ها شکل گرفته است. او در طراحی تصویر شماره ۱۲، با تکیه بر شعر روایی اووید شاعر رومی قرن اول میلادی، از شخصیت «آراخنه» بافنده‌ای فانی الهام می‌گیرد که الهه یونانی «آتنا» به عنوان مجازات او را به عنکبوت تبدیل کرد.

کتاب‌نامه

- آرچر، مایکل (۱۳۹۸). *هنر بعد از ۱۹۶۰*. ترجمه کتابیون یوسفی، تهران: حرفه هنرمند.
- احسانی، افسانه (۱۳۹۸). *اکوتوریسم راهی برای گردشگری پایدار*. تهران: مه‌کامه.
- اخگر، مجید (۱۳۹۵). «چرخش زبان‌شناختی هنر، تلاقی زبان و عکاسی در هنر جدید»، حرفه هنرمند، دوره ۱۴، شماره ۶۱، ۴۹-۶۳.
- ارباب‌زاده، مژگان؛ افضل‌طوسی، غفت‌السادات؛ کاتب، فاطمه و دادور، ابوالقاسم (۱۳۹۶). «بازتعریف بدن در هنر فمینیستی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰»، باغ نظر، دوره ۱۴، شماره ۵۵، ۴۷-۵۸.
- بولن، جین شینودا (۱۳۹۵). *پیام فوری از مادر زمین*، ترجمه نیسان فروزین، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- پویمان، لویی (۱۳۸۴). *اخلاق زیست‌محیطی*، گروه مترجمان، تهران: توسعه.
- تقی‌زادگان، معصومه (۱۴۰۰). «هنر گفتگویی و کنش‌گری در حوزه عمومی: محیط زیست در آثار هنرمندان کنش‌گرا»، جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، دوره ۳، شماره ۱، ۱۲۱-۱۴۵.
- دابسون، اندرو (۱۳۷۷). *فلسفه و اندیشه سیاسی سبزاها*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: آگه.
- دوستی، فرزانه (۱۳۹۸). «فلسفه بوم‌فمینیسم و پارادوکس ذات‌گرایی در آفرینش هنری»، پژوهش‌نامه فرهنگستان هنر، دوره ۲، شماره ۱۹، ۷۳-۹۳.
- فتاحی، آرمیدخت (۱۳۹۸). «نقش هنر در جلوگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی (آب، خاک و هوا): با ایسته‌ها و پیامدها»، دومین همایش بین‌المللی هنرهای تجسمی و محیط زیست با رویکرد هنر بازیافت، تهران، ایران.
- قریب‌باغی، علی اصغر (۱۳۷۸). «فمینیسم: تبارشناسی پست مدرنیسم»، گلستانه، شماره ۴۳، ۱۴-۵۲.
- قلعه، رضا (۱۳۸۸). «هنر جدید: هنرهای مرتبط با محیط: ابهام‌زدایی و تحدید»، دوره ۸، شماره ۱۴۶، ۲۶-۲۷.
- منجزی، رضا (۱۴۰۰). *تعاملات هنرمندان و محیط زیست در پیوند هنر معاصر*، تهران: هزاره ققنوس.
- نجفی، فرزانه و شیرازی، علی اصغر (۱۳۹۸). «بررسی عوامل تاثیرگذار در استفاده از بدن در آثار هنرمندان هنر اجرا و هنر محیطی (با تاکید بر

آثار سه هنرمند زن»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱۱، شماره ۴، ۵۶۷-۵۹۷.

- Acrury, T. A., Christianson, E. H. (1990). Environmental Worldview in Response to Environmental Problems: Kentucky 1984 and 1988 Compared. *Environment and Behavior*. May. 5. 387-407.
- Brown, A. (2014). *Art & Ecology Now*. New York: Thames & Hudson Press.
- Carson, R. (1962). *Silent Spring*. New York: Houghton Mifflin Harcourt Press.
- Cuomo, C.J. (1998). *Feminism and Ecological Communities*. London and New York: Routledge.
- Dekel, T. (2013). *Gendered: Art and Feminist Theory*. Newcastle: Cambridge Scholars Publication.
- Gaard, G. (1993). *Ecofeminism: Women, Animals, Nature*. Philadelphia: Temple University Press.
- Lunin, Lois F. (1990). *The Descriptive Challenges of Fiber Art*. Washington: Herner Company.
- Minickiello, M. F. (2011). *Women Environmental Artists: Unearthing Connections and Context*. PhD Thesis. Franklin Pierce University.
- Murphy, P. (1991). Ground, Pivot, Motion: Ecofeminist Theory, Dialogics and Literary Practice. *Hypatia*. Spring. 1. 61-146.
- Stone, M. (1976). *When God Was a Woman*. New York: Dial Press.
- Sutton, P.W. (2004). *Nature, Environment and Society*. U.K and U.S.A: Palgrave Press.

URLs:

- URL1. <https://www.abladeofgrass.org.html>, Date Access:2022/08/04
- URL2. <https://www.agnesdenesstudio.com/catalog.html>, Date Access:2022/08/05
- URL3. <https://www.americanscientist.org.html>, Date Access:2022/08/17
- URL4. <https://www.artnet.fr/artistes/rosaliegascoigne.html>, Date Access:2022/07/07
- URL5. <https://www.artforum.com.html>, Date Access:2022/11/05
- URL6. <https://www.basiairland.com/projects.html>, Date Access:2022/07/11
- URL7. <https://www.neri.media.mit.edu/projects.html>, Date Access:2022/10/23
- URL8. <https://www.visualartsource.com.html>, Date Access:2022/08/20



Components of Andrew Brown's Eco Art in the Works of Female Artists Active in the Field of Ecofeminism (Case Study: Agnes Denes, Basia Irland, Neri Oxman)

Abstract:

Eco art is one of the trends of contemporary art. This art is a subcategory of environmental art, which considers the set of activities for the interaction between the artist and the environment and is ongoing with common principles and different features. Eco art is placed in the general category of environmental art with a conceptual approach. Eco Art is actually the abbreviation of Ecological Art. Eco is used for "biosphere" and environmentally friendly topics. Considering that researchers in many fields use these words interchangeably, this type of art refers to a movement that is sensitive to environmental issues. This art considers the collaboration of the artist with other human groups with a social approach. Many trends in contemporary art use collaborative processes. Recycling and reviving nature is one of the most common approaches of this art. Also, friendship with the environment plays an important role as a method. These arts are considered as a way of social-environmental interaction. Ecological art emerged from the late 1960s and became a common trend in contemporary art in the 1990s along with environmental social movement. In addition to criticizing environmental issues and creative solutions to get out of it, this art has provided symbolic and poetic warnings. Eco art is performed using interdisciplinary art methods. It is a new and often experimental goal for artists. It deals with science and tries to express both the general context and the results of an "experiment" without using scientific terms. In a dialectical challenge with the environment, artists have achieved success in reaching the answer, even though it is partial and case-by-case, and they have also been content with reporting in other works. This art has used new sources of energy and to some extent has found new audiences. From this point of view, Andrew Brown's eco-art components can explore art recovery, attention beyond art and participatory processes. Today, these cases are considered as the main part of ecofeminism art approaches. By spreading environmental and feminist issues in the world, ecofeminism criticizes and protests the dominant (male) approach towards women and other subordinate types (cultural and natural). The ancient and essentialist view of "Woman-Earth" shows that a woman's relationship with the earth forms a part of her identity and pushes men back to the field of "culture" and against nature. ecofeminism is based on three main ideas: First, that women have certain behavior and values that are more compatible with nature. The second idea is that domination

Document Type:

Original/Research/Regular Article

Receive Date: 15 July 2023

Revise Date: 24 January 2023

Accept Date: 08 November 2023

Reza Monjezi

(Author Corresponding)

Faculty Member of the Department of Art and Architecture, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Email: Rezamonjezi@pnu.ac.ir

Seyed Nezamoddin Emamifar

Associate Professor, Faculty of Arts, Shahed University, Tehran, Iran.

Email: Emamifar@shahed.ac.ir

Amin Alikordi

Faculty Member of the Department of Art and Architecture, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Email: Amin.alikordi@pnu.ac.ir

DOI:

10.22051/jtpva.2023.44400.1519



over nature is related to domination over women, and the structures of domination and their reasons are the same in both. The third thought considers women to be closer to nature than men, and therefore, they are potentially pioneers in terms of cultivating sustainable ways of communicating with nature. The distinction of feminists and their relationship with the environment has always been discussed from a historical point of view, and two biological (Physiology) and social (participatory art) approaches have been proposed in relation to women and the environment. Feminist artists gradually showed a preference for open spaces. They turned to a level of artistic activism by using natural processes and public art. Female artists have shown feminine tendencies and environmental concepts in their works and are searching for re-creation of fine arts and extraction from traditional art. Today, attention to participatory art has a special place in the art of ecofeminism and the whole of contemporary art. Public art in the general sense is art that is visible and accessible to people in the public space. It can be permanently incorporated into the design or fixed elements of an urban place, or it can be a temporary project such as installation art and events. The works of female artists with a conceptual art orientation are created in the form of sculpture, installation art, performance art and public art. These arts consider the use of natural processes.

Andrew Brown is a researcher in the field of eco art, the author of the book "Art and Ecology Now". He has developed components to explain and analyze the concepts in the works of environmental artists. The use of the components of Brown's eco art is a good indicator for the content analysis of ecofeminist works. Brown tries to ignore the typology of eco art and pay attention to social and contemporary trends. He classifies the behavioral components of eco art artists as follows: 1- Re/view 2- Re/form 3- Re/search 4- Re/use 5- Re/create 6- Re/act.

The components of eco art by Andrew Brown provide an index for the content analysis of ecofeminist works through fixed conceptual components and regardless of the typology of arts. The components of eco art that Brown has proposed have a clear link with ecofeminist art. Feminist art has turned to postmodern philosophy in opposition to modernism. From this point of view, it is in conflict with the modernist paradigm of art. Greenberg, critic and writer of modern art, pushes women out of the circle of fine art by looking down on the works of female painters. He did not consider handicrafts as great art and considered traditional arts to be meaningless and full of technical conflicts. In this contrast, female artists paid attention to "re/use" and "Re/create" in the connection of the environmental aspect in the production of fiber arts and handwoven works. Another approach that ecofeminist women artists use is a form of body art. The choice of the female body and its interaction with the environment are considered to express the components of "Re/form" and "Re/view". Ecofeminism tries to connect women to environmental and social issues by using collaborative processes and artistic collaboration and to protest against "definitive" and "patriarchal" trends in art by paying attention to inferior human groups. These arts are defined by the components of "Re/view", "Re/search" and "Re/act". The main research question is, what components and methods do female artists use to create works in environmental art projects and ecofeminism?

The purpose of this research is to investigate the representation of gender in ecofeminist art and it deals with the approach of women artists and its examples. This classification includes the concepts of contemporary art and the content analysis of artists' works, and it also has a great affinity with the methodology of ecofeminism. By studying the works of artists active in this trend, artists such as Agnes Dance, Basia Ireland and Neri Oxman have been selected as case studies. The results of the research show that, in general, three approaches of body art, art inspired by handicrafts (female handicraft art) and also the use of collaborative processes have been of interest to artists. In their works, women artists have addressed concepts such as: Mother Nature (Gaia) and the archetype of woman-earth. Also, the findings showed that the components of eco art are evident in the works of female artists. With the historical analysis of this art, we can conclude that, at first, the female body was presented in feminist art as a tool against the dominant patriarchal discourse. But gradually with the expansion of environmental issues and the fundamental links of feminism and nature, the approach of collaborative arts and the need to raise awareness among social groups including local communities, subordinate groups including women and children has become more important.

Keywords: Ecofeminism, Eco Art, Female artists, Participatory Art, Andrew Brown.

References:

- Acrury, T. A., Christianson, E. H. (1990). Environmental Worldview in Response to Environmental Problems: Kentucky 1984 and 1988 Compared. *Environment and Behavior*. May. 5. 387-407.
- Akhgar, M. (2016). Linguistic Turn of Art, Intersection of Language and Photography in New Art. *Herfe Honarmand*. Autumn. 61. 49-63.
- Arbabzadeh, M., Afzaltousi, E.S., Kateb, F., Dadvar, A. (2017). Redefinition of the Body in Feminist Art (1960s and 1970s). *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*. January. 55. 47-58.
- Archer, M. (2019). *Art Since 1960*. (Translated by K. Yousefi). Tehran: Herfe Honarmand.
- Bolen. J. Sh. (2016). *Urgent Message from Mother: Gather the Women*. Save the World. (Translated by N. Forouzin.

Tehran: Rohangaran and Motale'ate Zanan.

- Brown, A. (2014). *Art & Ecology Now*. New York: Thames & Hudson Press.
- Carson, R. (1962). *Silent Spring*. New York: Houghton Mifflin Harcourt Press.
- Cuomo, C.J. (1998). *Feminism and Ecological Communities*. London and New York: Routledge.
- Dekel, T. (2013). *Gendered: Art and Feminist Theory*. Newcastle: Cambridge Scholars Publication.
- Dobson, A. (1998). *Green Political Thought*. (Translated by M. Salasi). Tehran: Aghah.
- Doosti F. (2019). Ecofeminist Philosophy and the Paradox of Essentialism in Artistic Creation: Reading the Culture/Nature/Gender Trichotomy through Contemporary Visual Arts. *Pazhouhesh Nameh-e Farhangestan-e Honar (Research Journal of the Iranian Academy of the Arts)*. Winter. 19. 73-93.
- Ehsani, A. (2019). *Ecotourism A Way for Sustainable Tourism*. Tehran: Mahkameh.
- Fatahi, A. (2019). Role of Art in Preventing Environmental Pollution (Water, Soil and Air): Requirements and Consequences. *Second International Conference of Visual Arts and Environment with the Approach of Recycling Art*. Tehran, Iran.
- Gaard, G. (1993). *Ecofeminism: Women, Animals, Nature*. Philadelphia: Temple University Press.
- Ghaleh, R. (2009). New Art: Arts Related to the Environment; Disambiguation and Limitation. *Tandis*. Spring. 146. 26-27.
- Gharebaghi, A. (1999). Feminism: A Genealogy of Postmodernism. *Golestaneh*. October. 14. 43-52.
- Lunin, Lois F. (1990). *The Descriptive Challenges of Fiber Art*. Washington: Hener Company.
- Minickiello, M. F. (2011). *Women Environmental Artists: Unearthing Connections and Context*. PhD Thesis. Franklin Pierce University.
- Monjezi, R. (2021). *Interactions between Artists and the Environment in Connection with Contemporary Art*. Tehran: Hezare Ghoghnoos.
- Murphy, P. (1991). Ground, Pivot, Motion: Ecofeminist Theory, Dialogics and Literary Practice. *Hypatia*. Spring. 1. 61-146.
- Najafi, F., & Shirazi, A. A. (2019). A study on Effective Factors in Body Use among the Works of Performance and Environment Artists: The Case of Three Woman Artists. *Journal of Woman in Culture and Arts*. January. 4. 567-597. doi: 10.22059/jwica.2020.295629.1387.
- Pojman, L. (2005). *Environmental Ethics*. (Translated by Group of Translators). Tehran: Tose'e.
- Stone, M. (1976). *When God Was a Woman*. New York: Dial Press.
- Sutton, P.W. (2004). *Nature, Environment and Society*. U.K and U.S.A: Palgrave Press.
- Taghizadegan, M. (2021). Dialogical Art and Public Sphere: The Environment in the Works of Activist Artists. *Sociology of Culture and Art*. March. 1. 145-121.

URLs:

- URL1. <https://www.abladeofgrass.org.html>, Date Access:2022/08/04
- URL2. <https://www.agnesdenesstudio.com/catalog.html>, Date Access:2022/08/05
- URL3. <https://www.americanscientist.org.html>, Date Access:2022/08/17
- URL4. <https://www.artnet.fr/artistes/rosalie-gascoigne.html>, Date Access:2022/07/07
- URL5. <https://www.artforum.com.html>, Date Access:2022/11/05
- URL6. <https://www.basiairland.com/projects.html>, Date Access:2022/07/11
- URL7. <https://www.neri.media.mit.edu/projects.html>, Date Access:2022/10/23
- URL8. <https://www.visualartsource.com.html>, Date Access:2022/08/20
- Keywords: Rug, Installation Art, Faig Ahmed, Space, Phenomenology.